

نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ گفته‌ها و نوشته‌ها
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران
۳. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی‌های او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**نقد**

نویسنده: اسماعیلی

تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۸

همان طور که مستحضرید، غیبت خلیفه‌ی خداوند امری مسبوق به سابقه است و خداوند گاهی بنا بر مصلحت اقدام به آن کرده است؛ مانند غیبت چهل روزه‌ی موسی و غیبت صالح و خضر علیهم السلام. آیا علل غیبت این انبیا با مبنای جناب منصور هاشمی خراسانی منافاتی ندارد؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۸/۶/۱۵

مراد از غیبت، مخفی کردن مکان یا هویت خود از دیگران است که توسط هیچ عاقلی جز در حال خوف انجام نمی‌شود و روشن است که پیامبران نیز از جمله‌ی عاقلان بوده‌اند و از این رو، هیچ گاه بدون خوف غیبت نکرده‌اند؛ مانند یوسف علیه السلام که از خوف برادرانش غیبت کرد؛ چراکه آنان قصد جاننش را داشتند و او را در چاه افکندند. از این رو، او سال‌ها مکان خود را از آنان مخفی کرد، تا آن گاه که در آنجا به نزد او آمدند. پس هویت خود را از آنان مخفی کرد؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾**؛ «و برادران یوسف آمدند و به نزد او داخل شدند، پس او آنان را شناخت و آنان او را نشناختند»، تا آن گاه که از آنان ایمن شد، پس خود را به آنان معرفی کرد؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ﴾** **﴿قَالُوا أَلَيْكَ لَأَنَّتَ يُوسُفَ﴾** **﴿قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي﴾**؛ «گفت: آیا می‌دانید که با یوسف و برادرش چه کردید هنگامی که جاهل بودید؟ گفتند: آیا تو یوسف هستی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است» و مانند موسی علیه السلام که از خوف فرعونیان غیبت کرد؛ چراکه آنان قصد جاننش را داشتند؛

۱. یوسف / ۵۸

۲. یوسف / ۸۹ و ۹۰

چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۱﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲﴾؛ «و مردی از دورترین جای شهر آمد در حالی که می‌شتافت، گفت: ای موسی! انجمن درباره‌ی تو مشورت می‌کنند تا تو را به قتل برسانند، پس بیرون شو که من برای تو از خیرخواهانم. پس بیرون شد در حالی که ترسان و نگران بود، گفت: پروردگارا! من را از قوم ظالمان نجات بده» و از قول او فرموده است: ﴿فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾؛ «پس از شما گریختم هنگامی که از شما ترسیدم، پس پروردگارم به من حکمت بخشید و من را از فرستادگان قرار داد». غیبت موسی علیه السلام این بود، نه بالا رفتن او از کوه طور به مدت چهل روز برای مناجات با خداوند؛ چراکه آن نه مخفی کردن مکان خود بود و نه مخفی کردن هویت خود، بل تنها سفری کوتاه بود که برای هر یک از مردم پیش می‌آید، بدون اینکه غیبت به معنای مصطلح محسوب شود و مانند عیسی علیه السلام که از خوف یهود غیبت کرد؛ چراکه آنان برای کشتن او دسیسه کردند. پس خداوند او را به مکانی نامعلوم در آسمان بالا برد؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ ﴿۴﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ ﴿۵﴾؛ «و دسیسه کردند و خداوند هم دسیسه کرد و خداوند بهترین دسیسه‌کنندگان است؛ هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را به طور کامل می‌گیرم و به سوی خودم بالا می‌برم» و فرموده است: ﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مِمَّا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَعَ الظَّنُّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿۶﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۷﴾؛ «و او را نکشتند و به صلیب نکشیدند، بلکه برایشان مشتبه شد و کسانی که درباره‌ی آن اختلاف کردند در شکی نسبت به آن هستند، آنان را به آن علمی نیست جز پیروی از ظن و او را از روی یقین نکشتند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزتمندی حکیم است» و مانند محمد صلی الله علیه و آله و سلم که از خوف کافران غیبت کرد؛ چراکه آنان در تعقیب او بودند تا او را بکشند. پس او در غار ثور مخفی شد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۸﴾؛

۱. القصص / ۲۰ و ۲۱

۲. الشعراء / ۲۱

۳. آل عمران / ۵۵

۴. النساء / ۱۵۷ و ۱۵۸

۵. التوبة / ۴۰

«اگر شما او را یاری نکنید، بی گمان خداوند او را یاری کرد هنگامی که کافران او را بیرون راندند، در حالی که او یکی از دو نفر بود و آن دو در غار بودند، هنگامی که به همنشینش می گفت: اندوهگین نباش؛ چراکه خداوند با ماست، پس خداوند آرامش خود را بر او نازل کرد و او را با لشکریانی که نمی دیدید یاری رساند و کلمه‌ی کافران را پست ساخت و کلمه‌ی خداوند آن برتر است و خداوند عزتمندی حکیم است». بنابراین، کتاب خداوند غیبت خلفاء او را به سبب خوف آنان از مردم دانسته و این همان مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است؛ همچنانکه مبنای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می شود؛ چراکه آنان بنا بر حدیث متواتر ثقلین هرگز از کتاب خداوند جدا نمی شوند و از این رو، در صحیح ترین حدیث رسیده از آنان درباره‌ی غیبت مهدی علیه السلام آمده است: **«إِنَّ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ، قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: إِنَّهُ يَخَافُ - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْني الْقَتْلَ»**؛ «هرآینه برای قائم علیه السلام پیش از آنکه قیام کند غیبتی است، گفتیم: به چه علت؟ فرمود: می ترسد - و با دست به شکمش اشاره کرد، یعنی از قتل»؛ همچنانکه احادیث رسیده از آنان درباره‌ی غیبت پیامبران نیز همین معنا را می رسانند؛ مانند حدیث رسیده از آنان درباره‌ی غیبت ادريس عليه السلام که در آن آمده است: **«وَبَعَثَتْ امْرَأَةُ الْجَبَّارِ إِلَى إِدْرِيسَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَزْرَاقَةِ لِيَقْتُلُوهُ فَأَتَوْهُ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي كَانَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ فِيهِ أَصْحَابُهُ، فَلَمْ يَجِدُوهُ، فَانصَرَفُوا وَقَدْ رَأَوْهُمْ أَصْحَابَ إِدْرِيسَ فَحَسَبُوا أَنَّهُمْ أَتَوْا إِدْرِيسَ لِيَقْتُلُوهُ فَتَفَرَّقُوا فِي طَلَبِهِ، فَلَقَوْهُ، فَقَالُوا لَهُ: خُذْ حَذْرَكَ يَا إِدْرِيسُ! فَإِنَّ الْجَبَّارَ قَاتِلَكَ قَدْ بَعَثَ الْيَوْمَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَزْرَاقَةِ لِيَقْتُلُوكَ فَأَخْرُجْ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، فَتَنَحَّى إِدْرِيسُ عَنِ الْقَرْيَةِ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ»**؛ «و زن حاکم جبّار چهل مرد از ازارقه را به سوی ادريس فرستاد تا او را به قتل برسانند، پس آنان به مجلسی که اصحاب ادريس در آن نزد او جمع می شدند آمدند، ولی او را نیافتند، پس از آنجا بیرون آمدند و برخی از اصحاب ادريس آنان را دیدند و دانستند که به دنبال ادريس آمده اند تا او را به قتل برسانند، پس در جستجوی او متفرق شدند و او را یافتند، پس به او گفتند: مراقب خودت باش ای ادريس! چراکه حاکم جبّار می خواهد تو را به قتل برساند، امروز چهل مرد از ازارقه را فرستاده است تا تو را بکشند، پس از این شهر بیرون برو، پس ادريس از آن روز از شهر کناره گرفت، در حالی که چند نفر از یارانش به همراه او بودند» و مانند حدیث رسیده از آنان درباره‌ی غیبت ابراهیم علیه السلام که در آن آمده است: **«فَلَمَّا وَضَعَتْ أُمُّ إِبْرَاهِيمَ (بِهِ) أَرَادَ أَبُوهُ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ إِلَى نُمْرُودَ، فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ: لَا تَذْهَبْ بِابْنِكَ إِلَى نُمْرُودَ فَيَقْتُلُهُ، دَغْنِي أَدْهَبُ بِهِ إِلَى بَعْضِ الْغَيْرَانِ أَجْعَلُهُ فِيهِ حَتَّى يَأْتِيَ**

۱. الكافي للكليني، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۳۴۰؛ الغيبة للنعماني، ص ۱۷۰ و ۱۸۲؛ كمال الدين وتمام النعمة لابن بابويه،

ص ۳۴۲ و ۴۸۱؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۳۲ و ۳۳۳

۲. كمال الدين وتمام النعمة لابن بابويه، ص ۱۲۹

عَلَيْهِ أَجَلُهُ وَلَا يَكُونُ أَنْتَ تَقْتُلَ ابْنَكَ، فَقَالَ لَهَا: فَأَذْهَبِي بِهِ، فَذَهَبَتْ بِهِ إِلَى غَارٍ، ثُمَّ أَرْضَعَتْهُ، ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَى بَابِ الْغَارِ صَخْرَةً، ثُمَّ انْصَرَفَتْ عَنْهُ، فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِزْقَهُ فِي إِبْهَامِهِ فَجَعَلَ يَمُصُّهَا فَيَشْرَبُ لَبَنًا»^۱؛ «پس هنگامی که مادر ابراهیم او را به دنیا آورد، پدرش خواست که او را به نزد نمرود ببرد، پس زنش به او گفت: پسر تو را به نزد نمرود نبر؛ چراکه او را می‌کشد، بگذار من او را به یکی از غارها ببرم و در آن بگذارم تا وقتی که اجلش برسد و تو خودت پسر تو را نکشته باشی، پس به او گفت: او را ببر، پس او را به غاری برد و شیر داد و سپس صخره‌ای بر دهانه‌ی غار گذاشت و برگشت، پس خداوند عَزَّ وَجَلَّ روزی او را در شستش قرار داد، پس او شستش را می‌مکید و شیر می‌نوشید». اما حدیث رسیده از آنان درباره‌ی غیبت صالح علیه السلام تنها از وقوع آن خبر داده و به علت آن اشاره‌ای نکرده است^۲ و از این رو، نمی‌توان آن را منافی با کتاب خداوند دانست؛ خصوصاً با توجه به سخن آنان که فرموده‌اند: «مَا أَتَاكُمْ عَنَّا مِنْ حَدِيثٍ لَا يُصَدِّقُهُ كِتَابُ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ»^۳؛ «هر حدیثی از ما به شما رسید که کتاب خداوند آن را تصدیق نمی‌کند، آن باطل است» و فرموده‌اند: «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۴؛ «هر حدیثی که با کتاب خداوند موافقت ندارد، مزخرف است»؛ همچنانکه جاودانگی خضر علیه السلام ثابت نیست تا درباره‌ی علت غیبت او در طول قرون و اعصار گذشته گفتگو شود؛ چراکه خداوند به صراحت فرموده است: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ»^۵؛ «و برای هیچ انسانی پیش از تو جاودانگی قرار ندادیم».

از اینجا دانسته می‌شود که کتاب خداوند و عترت پیامبرش هر دو، غیبت خلیفه‌ی خداوند را نتیجه‌ی ترس او از کشته شدن دانسته‌اند که نتیجه‌ی استیلاء ظالمان و عدم حمایت کافی مردم بوده است و با این وصف، انداختن بار مسؤولیت آن بر گردن خداوند با این ادعا که او آن را خواسته و سبب شده است، افتراء بر او محسوب می‌شود و افتراء بر او گناهی بسیار بزرگ است؛ چنانکه فرموده است: «انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُبِينًا»^۶؛ «بنگر که چگونه بر خداوند افتراء می‌زنند و آن به عنوان گناهی آشکار کافی است» و فرموده است: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»^۷؛ «آن به سبب چیزی است که دستانتان پیش فرستاده است و خداوند ستم کننده‌ی به بندگان نیست».

۱. الکافی للکلینی، ج ۸، ص ۴۶۷؛ کمال الدین وتمام النعمة لابن بابویه، ص ۱۳۸

۲. بنگرید به: کمال الدین وتمام النعمة لابن بابویه، ص ۱۳۶.

۳. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۲۱

۴. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۲۱؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۶۹

۵. الأنبياء / ۳۴

۶. النساء / ۵۰

۷. آل عمران / ۱۸۲

همانا شیطان این گناه بسیار بزرگ را در نظر مردم زینت داده است تا آنان را از زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند باز دارد و اینک تلاش علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی متمرکز بر آن است که آنان را از این جهل و غفلت بیرون آورد، باشد که به زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند اقدام کنند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصف هاشمی خراسانی
 بجزین امروز می‌توانید با ما تماس بگیرید



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصف هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.